

# هر هیچ

بجای از پشت و پیرترین پرزرق و برق اسباب بازی به هایی که قرار است رشته انسانی را در متوسطه خلی خفن است و می گوید رابطه تمام موجودات با جسم از یک ارتفاعی می افتد محبتشان نسبت

فرار است درباره عشق و محبت صحبت کنیم البته روز تنفس اعلام می کنم.



## تا توانی دلی به دست آور

بر فرض اینکه محبت واقعی باشد و جای درستی هم این محبت را خرج کنی باز ممکن است در رفتار و به اصطلاح بهتر در میزان ابراز علاقه ات اشتباه کنی. آدم ها طبق روال در این جا دو دسته نیستند. گول خورید اینجاسه دسته اند!

با وجود آن که دل برکنده ام زان شاخ گل / هر کجا می بینم او را خارخارم می شود. این بیت حکایت از آن محبت های افراطی دارد که ممکن است خیلی از ما دچارش شده باشیم. هستند کسانی که باز اشاره به شخص خاصی ندارم ولی دوست صمیمی شان را فقط برای خودشان می خواهند و اگر او با کس دیگری دوست باشد و با هم بگویند کنند از چشمان شخص مورد بحثشان می توانی ببینی از حسودی در حال ترکیدن است و می خواهد سر به تن همان رفیق فاب مورد علاقه اش هم نباشد.

اما گروهی هم هستند که اصلا بلد نیستند محبتشان را بروز دهند. یعنی حسرت به دل مادر و پدرشان مانده است که یک بار با لبخند وارد خانه شود یا صبح زود با روی شاد از تخت خواب عزیزتر از جانش دل بکند. حالا می نگوییم ما که نوجوانیم و کوتا ازدواج. همین که بلد نیستی به نزدیک ترین افراد خانواده ات؛ مثلاً خواهر یا برادرت درست ابراز محبت کنی، یک روز می شود نقطه ضعف بزرگ تو در برابر همسر آینده ات. اصلاً زندگی بدون ابراز محبت دوزار می ارزد؟

گروه سوم اما همه بلدند کجا و چطور محبتشان را بروز دهند. هم در ابراز محبت افراط و تفریط ندارند. محبت داشتن به طور عادی باعث می شود از طرف مقابل توقع ابرقهرمانی نداشته باشیم و او را به عنوان یک انسانی که می تواند ضعف ها و ایراداتی هم داشته باشد بپذیریم و با همان ویژگی ها دوستش داشته باشیم و در کل باعث یک حال خوب و احساس آرامش در آدم می شود. اصلاً محبت کردن درست، به جا و به اندازه، حال خود آدم را خوب می کند، فارغ از این که طرف مقابلت تو را درک کند یا نه. در پی جبران محبت تو بر بیاید یا نه.

## زنبور عسل باش!



این موجودات عجیب و غریب خیلی زندگی عبرت آموزی دارند. مثلاً یک نقش در میان زنبورهای عسل وجود دارد به اسم «بواب» یا همان دربان خودمان. این زنبورها همه کار می کنند که هیچ موجود غریبه ای وارد کند و نشود. حتی زنبورهای کندوهای دیگر، ولی معلوم نیست چرا خیلی از ما به این اندازه هم حواسمان نیست چه کسی را به کندوی دلمان راه می دهیم. اصلاً مگر این دل لامصب چقدر جا دارد. قربان خدا بروم. می گوید من برای خودم شریک نمی خواهم. اگر می خواهی ورود به این خانه را به کسی غیر از من هم اجازه بدهی من می روم و همه را می گذارم برای آن اغیار.

بیایید لااقل بواب دلمان باشیم و هر کس و ناکسی را به آن راه ندهیم.

## یگران

این محبت اگر درست و به جا باشد چه آثاری دارد:

خدا می گوید در آخرت هر کسی با محبوب خودش محشور می شود. حواسمان باشد که به چه کسی محبت می کنیم و بدانیم محبت به انسان های خوب عاقبت به خیری به همراه دارد.

محبت به آدم های خوب مخصوصاً کسانی که پیش خدا محبوب هستند، تقلید از آنها و شبیه شدن به ایشان را به دنبال دارد. چون محبت واقعی در دل خودش تلاش برای به دست آوردن دل محبوب را دارد.

ت کردن شمارا اجتماعی تر و مشکلات ناشی از تنهایی و نصه های انزوای طلبی را از شما ن کند.

